

بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام

با فتنه های انحرافی غلات و مرجئه



دکتر ایوب رفجری

(استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

مرجان موسی زاده

سرشناسه	: رنجبری، ایوب
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق(ع) با فرقه های انحرافی غلات و مرجئه / ایوب رنجبری، مرجان موسی زاده
مشخصات نشر	: قم، مشعل هدایت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۲-۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: جعفر بن محمد(ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ ق. - دیدگاه درباره غلو
موضوع	: جعفر بن محمد(ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ ق. - دیدگاه درباره غلات شیعه
موضوع	: جعفر بن محمد(ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ ق. - دیدگاه درباره مرجئه
موضوع	: غلاة شیعه
موضوع	: مرجئه
موضوع	: اسلام - فرقه ها
شناسه افزوده	: موسی زاده، مرجان
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ب ۴ / ۹ / ۴۵/۳۵ Bp
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۸۹۷۲۴۶

شناسنامه کتاب

نام کتاب: بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق(ع) با فرقه های انحرافی غلات و مرجئه

مؤلف	: دکتر ایوب رنجبری ^۱ ؛ ادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو - مرجان موسی زاده
ناشر	: مشعل هدایت
صفحه آرا	: فاطمه رابط (خدمات کامپیوتری و نگار)
نوبت چاپ	: دوم ۱۴۰۳
چاپ	: مبین قم
شمارگان	: ۱۰۰
قیمت	: ۱۴۰۰۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۲-۷-۶

چکیده

دوره امام جعفر صادق علیه السلام یکی از دوره‌های ویژه تاریخ اسلام می‌باشد. از ویژگی‌های مهم این دوره، ترویج و رشد فرقه‌های گوناگون می‌باشد؛ که از این لحاظ عصر کنونی ما بی‌شبهت به آن دوره نیست، لذا هدف تحقیق حاضر این است که شیوه‌های مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با فرقه‌های انحرافی بررسی شود تا الگوی مناسب برای مقابله با فرق مختلف در جامعه کنونی قرار گیرد.

فرقه‌های عصر امام جعفر صادق علیه السلام: کیسانیه، زیدیه، غلات، خوارج، مرجئه و معتزله می‌باشند. در این تحقیق به دو فرقه مرجئه و غلات پرداخته می‌شود.

بعد از مباحث کلی در تئوسوفی حیات امام جعفر صادق علیه السلام که در فصل اول آمده، در فصل بعدی به شیوه‌های مواجهه امام صادق علیه السلام با غالیان به دو شیوه کلی مسالمت‌آمیز و سخت‌گیرانه مانند: استدلال به قرآن، حدیث، استدلال به حکمت و برهان، نهی از هم‌نشینی، لعن و نفرین، برائت... اشاره شده است و نیز در فصل سوم نحوه مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با تفکر مرجئه (جدایی ایمان از عمل) با شیوه‌های تبیین ایمان و تشریح خطاهای فکری بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که برخی شیوه‌های امام جعفر صادق علیه السلام در مقابل با فرق مختلف تبیین و آگاه‌سازی، هشدار به شیعیان، نهی از هم‌نشینی و لعن و نفرین مشترک بودند و همچنین شیوه‌های برخورد و اعمال ایشان متناسب و مطابق با تفکرات و میزان افراط و جهل و فریبکاری فرقه‌ها بوده است.

با توجه به اینکه رگه‌هایی از افراطی‌گری‌های غلات و فکر مرجئه در قالب دیگری در جهان امروز استمرار یافته، بنابراین بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام موجب روشنگری و الگوگیری برای مقابله با این گونه تفکرات خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مواجهه، امام جعفر صادق علیه السلام، فرقه انحرافی، غلات، مرجئه.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	۷
کلیات و مفاهیم.....	۱۲
مقدمه:.....	۱۳
معنای لغوی فرقه.....	۱۵
معنای اصطلاحی فرقه.....	۱۶
معنای لغوی غلو.....	۱۶
غلو در اصطلاح:.....	۱۷
غلو در قرآن.....	۱۸
معانی ارجاء.....	۱۹
ارجاء در اصطلاح.....	۲۰
 فصل اول: حیات فکری و سیاسی امام جعفر صادق علیه السلام	 ۲۵
۱-۱- زندگی نامه مختصر امام صادق علیه السلام	۲۷
۲-۱- اوضاع سیاسی دوران امام صادق علیه السلام	۲۸
۳-۱- فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی - اجتماعی.....	۳۱



۳۱	۱-۳-۱- فعالیت‌های فرهنگی.....
۳۶	۲-۳-۱- فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی.....
۳۹	۴-۱- امام صادق علیه السلام ، قیامها و فرقه‌ها.....
۳۹	۱-۴-۱- زیدیه.....
۲۳	۲-۴-۱- قیام محمد نفس زکیه.....
۴۵	۳-۴-۱- پیدایش فرقه اسماعیلیه.....
۴۶	۴-۴-۱- علل عدم قیام امام جعفر صادق علیه السلام
۴۹	۵-۱- نتیجه.....
۵۱	فصل دوم: مواجهه امام - جعفر صادق علیه السلام با فرقه غلات.....
۵۳	۱-۲- مقدمه.....
۵۴	۲-۲- معرفی فرقه‌های غالی زمان امام صادق علیه السلام
۵۴	۱-۲-۲- بزغیه.....
۵۶	۲-۲-۲- ابوالخطاب.....
۶۱	۳-۲-۲- پیروان ابو الخطاب (خطابیه مطلقه).....
۶۴	۱-۳-۲-۲- معمریه.....
۶۶	۲-۳-۲-۲- مفضلیه.....
۶۷	۳-۳-۲-۲- اصحاب سری (سریه).....
۶۸	۴-۳-۲-۲- بشاریه (علبانیه).....
۷۰	۵-۳-۲-۲- یونس بن ظیان.....
۷۲	۴-۲-۲- توهم الوهیت امام جعفر صادق علیه السلام از سوی برخی شیعیان.....
۷۳	۵-۲-۲- اهل اباحه.....
۷۶	۳-۲- علل پیدایش غلات.....

- ۴-۲- باورهای غالیان ۷۹
- ۴-۲-۱- باورهای اختصاصی غالیان ۷۹
- ۴-۲-۲- باورهای به‌ظاهر اشتراکی غالیان و شیعیان ۸۱
- ۵-۲- مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با غالیان ۸۴
- ۵-۲-۱- شیوه‌های برخورد با غالیان جاهل و فریب‌خورده ۸۴
- ۵-۲-۱-۱- شیوه‌های مسالمت‌آمیز گفتاری ۸۵
- ۵-۲-۱-۲- شیوه‌های عملی و رفتاری ۱۰۱
- ۵-۲-۲- شیوه‌های برخورد با غالیان شیاد و فریبکار ۱۰۳
- ۵-۲-۱-۲- شیوه‌های سخت‌گیرانه گفتاری ۱۰۳
- ۵-۲-۲- برخورد با شیوخ سخت‌گیرانه عملی ۱۲۳
- ۶-۲- نتیجه ۱۲۷
- فصل سوم: مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با فرقه مرجئه ۱۲۹
- ۳-۱- معرفی فرقه‌های مرجئه زمان امام صادق علیه السلام ۱۳۱
- ۳-۱-۱- یونسیه (پیروان یونس بن عون السمری) ۱۳۳
- ۳-۱-۲- عبیدیه (پیروان عبدالملتنب) ۱۳۳
- ۳-۱-۳- غیلاتیه (پیروان غیلان دمشقی) ۱۳۳
- ۳-۱-۴- صالحیه (پیروان ابوالحسن صالح بن عمرو صالحی) ۱۳۴
- ۳-۱-۵- ثوبانیه (پیروان ابو ثوبان) ۱۳۴
- ۳-۱-۶- تومینه (پیروان ابو معاذ تومنی) ۱۳۴
- ۳-۱-۷- نجاریه (پیروان حسین بن محمد نجار) ۱۳۵
- ۳-۱-۸- مریسیه (پیروان بشر مریسی) ۱۳۵
- ۳-۱-۹- کرامیه (پیروان محمد بن کرام سجستانی) ۱۳۵
- ۳-۱-۱۰- حنفیه (پیروان ابو حنفیه) ۱۳۶

۱۳۶.....	۱۱-۱-۳- جهیمیه (پیروان جهیم بن صفوان).....
۱۳۶.....	۱۲-۱-۳- شیبیه (پیروان محمد بن شیب).....
۱۳۷.....	۲-۳- پیدایش مرجئه.....
۱۳۸.....	۳-۳- عقاید مرجئه.....
۱۳۸.....	۱-۳-۳- مفهوم توحید:.....
۱۳۸.....	۲-۳-۳- رؤیت پروردگار:.....
۱۳۹.....	۳-۳-۳- عصمت پیامبران:.....
۱۳۹.....	۴-۳-۳- خلق قرآن:.....
۱۳۹.....	۵-۳-۳- مقیم گناه:.....
۱۴۰.....	۶-۳-۳- اعتقاد به «امتناء» و «عید»:.....
۱۴۱.....	۷-۳-۳- عذاب کافران.....
۱۴۱.....	۸-۳-۳- جزای گناهکاران.....
۱۴۳.....	۴-۳- مواجهه امام صادق علیه السلام با فرقه مرجئه.....
۱۴۳.....	۱-۴-۳- تبیین صحیح ایمان.....
۱۵۰.....	۲-۴-۳- تشریح خطاهای فکری مرجئه و پیامدهای آن.....
۱۵۱.....	۳-۴-۳- هشدار به شیعیان و پیروان خود مبنی بر پرهیز از تفکر مرجئه.....
۱۵۷.....	۳-۴-۳- استمرار تفکر مرجئه.....
۱۶۱.....	نتیجه‌گیری.....
۱۶۵.....	منابع و مأخذ.....

کلیات و مفاهیم

مقدمه:

پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ و در زمان ائمه اطهار علیهم السلام، گروه‌های زیادی با عقاید و گرایش‌های مذهبی مختلف در جامعه اسلامی پیدا شدند. اولین فرقه و گروهی که در این تحقیق بحث می‌شود فرقه غلات است این گروه که عده‌ای تندرو با عقایدی خاص بودند با طرح عقاید غالباً نه خویش در جامعه شیعی، بعضی شیعیان را به خود جلب کردند و از این طریق ضربات زیادی را به جامعه شیعی وارد ساختند این افراد و فرقه‌های افراطی در طول تاریخ حضور امامان شیعه علیهم السلام، به‌خصوص در زمان امامان صادقین علیهم السلام حضور پر رنگی داشتند، بدون شک افراد و فرقه‌های غالی متشیع بودند و افکار و اندیشه‌های غالیانه آن‌ها شدت و ضعف داشته است. این طیف از غلات، هم شامل غالیان جاهل و فریب‌خورده می‌باشد و هم شامل غالیان شایسته و فربیکاری می‌شود که به‌منظور دستیابی به اهداف مادی و دنیوی، بر اندیشه‌های الهیه خویش اصرار داشتند. این پژوهش به بررسی جریان غلات و شیوه‌های برخورد و مواجهه امام جعفر صادق علیهم السلام، با این افراد می‌پردازد. دومین فرقه‌ی مورد بحث در این تحقیق، فرقه و تفکر مرجئه می‌باشد که از بطن منازعات کلامی که پس از رحلت پیامبر ﷺ درباره‌ی مسائل از جمله: تعریف ایمان و جدایی آن از عمل بین مسلمین در گرفت و اقوال مختلفی مطرح شد، فرقه‌ای به نام مرجئه پدید آمد. این فرقه نقطه مقابل فرقه خوارج که هر گناه کبیره‌ای را موجب کفر می‌دانستند و حضرت علی علیهم السلام و خلیفه سوم عثمان را به خاطر ارتکاب پاره‌ای اعمال که به اعتقاد آن‌ها

گناه بوده، تکفیر می‌نمودند. فرقه مرجئه برعکس خوارج گناه را مضر به ایمان نمی‌دانستند و می‌گفتند عمل در حقیقت ایمان نیست و ایمان عبارت است از مجرد اقرار به زبان اگرچه همراه هیچ عملی نباشد؛ بنابراین این عقیده موردپسند بنی‌امیه بود و موجب تقویت ایشان می‌شد و چون هر چه از جنایات بنی‌امیه مطرح می‌گشت، می‌گفتند به ایمان و اسلام آنان ضرری نمی‌رساند. لذا امام جعفر صادق علیه السلام با شیوه‌های مختلف که شامل تعریف و تبیین صحیح ایمان و هشدار به پیروان و شیایان بود، ایشان را از نزدیک شدن با فرقه‌های مرجئه و تفکرات ارجائی بر حذر داشت.

تاریخ زندگی هر یک از ائمه با توجه به شرایط زمان حاکم بر آن از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود. دوران امام صادق علیه السلام را می‌توان دوره انقلابی فرهنگی در تاریخ زندگی ایشان بیان داشت. همچنین دوره تزلزل قدرت امویان و عصر انتقال قدرت از اموی به عباسی به شمار می‌آید. در این شرایط امامت در جایگاه حقیقی خود در جامعه قرار داشت و مردم از سرچشمه زلال معارف اصیل محروم بودند. بنی‌امیه مانع از تأثیرگذاری مناسب و گسترده دانش در جامعه بود. در این خلأ فرقه‌های مختلف از جمله غلات، مرجئه، کیسانیه و زیدیه که برخی از آن‌ها از قبل تشکیل شده بودند رشد کردند و زمینه‌های انحراف را پدید آوردند؛ بنابراین امام صادق علیه السلام حرکت جدید را برای ترویج معارف اسلامی شروع کردند و با درک درست از وضعیت جامعه با راهکارهای اساسی بر خود لازم دیدند که به مقابله با چالش‌های و جریان‌های انحرافی بپردازند. لذا در این پایان‌نامه تلاش می‌گردد موضع‌گیری‌های امام جعفر صادق علیه السلام در برابر دو فرقه انحرافی غلات و مرجئه بررسی گردد.

معنای لغوی فرقه

کلمه فرقه در لغت از ریشه «فَرَّقَ» به معنای جدا کردن و جدا شدن گرفته شده است و نامی است برای گروهی از مردم.^۱

در مفردات راغب آمده است: الفَرَق «جدا کردن» با واژه‌ی فَلَاق نزدیک به هم هستند با این تفاوت که فَلَاق به اعتبار از شکافتن و فرق به اعتبار جدایی می‌باشد.

«وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ»

فِرَق: قطعه‌ی جدا شده فرقه: گروهی از جماعت جدا و متفرق شده‌اند.

فریق: گروه جدا شده را می‌گویند.^۲

در آیات زیر این کلمه به کار رفته است.

«فَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» «فَرِيقًا فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقًا فِي السَّعِيرِ» و «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي» و ...

ابن منظور می‌گوید: «الفرقة: طائفة من الناس» طایفه از مردم و گروهی از مردم گفته می‌شود.^۳

۱ ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۴، ص ۴۹۳

۲ بقره (۲): ۵۰

۳ راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، فارسی، مترجم، حسین خداپرست.

۴ بقره، (۲): ۸۷

۵ شوری (۲۵): ۷

۶ شوری (۱۸): ۱۰۹

۷ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۳۴

معنای اصطلاحی فرقه

کلمه فرقه در اصطلاح، معنای نزدیک به معنی لغوی دارد و به گروهی از مردم که اعتقاد واحدی غیر از اعتقاد دیگران را انتخاب و دنبال کننده فرقه گفته می‌شود. مثلاً اگر عده‌ای از پیروان یک دین، اعتقاد خاصی غیر از اعتقاد عموم پیروان آن دین داشته باشند به آن عده «فرقه» گفته می‌شود.^۱

برخی نیز در معنای فرقه علاوه بر مفهوم گروه و مردم، مفهوم جدایی و مفارقت را هم یاد کرده‌اند. البته لازم است به این نکته توجه شود که واژه «فرقه» به شکلی که امروزه استفاده می‌شود، عبارتی برای اشاره به جنبش‌های نوپدید دینی یا سایر گروه‌هایی است که اعتقادات آن‌ها و یا رفتارهایشان از نظر عموم مردم غیرعادی و یا غریب محسوب می‌شود.

امروزه در غرب از لغت فرقه به عنوان ابزاری برای تخریب علیه گروه‌هایی استفاده می‌شود که اعتقادات و یا رفتارهایی غیر منطقی دارند. بدون آنکه تعریف دقیق و ثابتی از کلمه فرقه ارائه دهند.^۲

معنای لغوی غلو

«غلو» بر وزن فُعُول، مصدر «غَلَى يَغْلُو» و به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز می‌باشد. لذا وقتی قیمت چیزی از حد معمول خود بالاتر می‌رود. به آن «غال» (به معنای گران) می‌گویند. چنان‌که درباره مایعات هرگاه به جوش آیند و در حد خود ننگند، می‌گویند: غلیان کرده‌اند به تیر همچون کمان

۱. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۲۵۲۳

۲. محمدعلی صفوت، فرهنگ نفیس، ج ۲، ص ۱۱۴

تجاوز می‌کند «غلو» می‌گویند. از همین جاست که به مقدار مسافتی که معمولاً هر تیر در هنگام خروج از کمان طی می‌کند. «غلو» گفته می‌شود. چون از حدّ خود تجاوز کرده است. گرچه کلمه تعدی نیز به معنای افراط و تجاوز از حدّ می‌باشد، اما کلمه غلو در جایی به کار برده می‌شود که تجاوز از حدّ زیاد باشد.^۱

بنابراین هرگاه این کلمه در مورد معتقدات دینی و مذهبی به کار رود، به این معناست که چیزی را که با آن اعتقاد دارد از حدّ خود، بسیار فراتر بوده است.

ضد کلمه «غلو» که افراط و تجاوز از حدّ معنا شد، کلمه «تقصیر» به معنای کوتاهی^۲ و خروج از حدّ وسط، به طرف نقصان و کمی است. دین الهی که همگان به پیروی از آن اشتهادند، بین غلو و تقصیر، یعنی رعایت میانه‌روی و اعتدال است.^۳

غلو در اصطلاح:

این واژه در اصطلاح شرع، به تجاوز و مبالغه نمودن در حق پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت آنان اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر هرگاه این کلمه در مورد عقاید دینی و مذهبی به کار رود به این معنی است که انسان به آنچه اعتقاد دارد. آن را از حد معمولی و طبیعی بالاتر ببرد؛ و پیرو آن غالیان به کسانی گفته می‌شود که به اسلام تظاهر می‌نمایند و از طرفی به امیر مؤمنان علیه‌السلام و امامان دیگر از نسل او نسبت خدایی می‌دهند و آنان را به چنان فضائی در دین و دنیا می‌ستایند که از اندازه خارج شده‌اند.

۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۶۹

۲ همان.

۳ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۳۰

علامه مجلسی غلو در پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) را قول به خدایی ایشان، اعتقاد به شراکت آنان با خداوند در معبودیت یا خلق و رزق، حلول خداوند در ایشان یا اتحاد خداوند با آنان، اعتقاد به اینکه علم غیب را بدون وحی و الهام می‌دانند. قول به نبوت ائمه (علیهم السلام)، قول به تناسخ ارواح، اعتقاد به اینکه معرفت آنان فرد را از عبادت بی‌نیاز کرده و تکلیف را از او برمی‌دارد. دانسته و اعتقاد به هریک از این موارد را کفر و خروج از دین دانسته‌اند.^۱ علامه مجلسی در این تعریف تقریباً به تمامی مصادیق غلو در مورد پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) اشاره کرده است. به این نکته باید توجه داشت که غلو و زیاده‌گویی تنها به پیامبر (ص) و امامان (علیهم السلام) اختصاص ندارد؛ چنین عقایدی در مورد انسان‌های عادی به‌طریق‌اولی جزو مصادیق بارز غلو محسوب می‌شود و چه‌بسا مصادیق غلو در مورد اشخاص عادی به مراتب بیشتر باشد به‌عنوان مثال: قول به امامت غیر ائمه از مصادیق بارز غلو محسوب می‌شود.^۲

غلو در قرآن

ماده «غ ل و» به‌صورت «لا تغلوا» که نهی از غلو است، تنها در دو مورد در قرآن کریم وجود دارد و در هر دو مورد درباره اهل کتاب به‌کاررفته است. در آیه ۷۷ سوره مائده خداوند اهل کتاب را از غلو در دینشان عمل کرده است:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

بگو: ای اهل کتاب! در دین خود، به ناحق بزرگ‌نمایی نکنید و از هوس‌های گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری را گمراه کردند و از راه درست گم شدند، پیروی ننمایید.

در آیه ۱۷۱ سوره نساء نیز آمده است:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ»

ای اهل کتاب! در دینتان غلو نکنید و درباره خدا جز حق نگویید. مسیح، عیسی پسر مریم، فقط فرستاده خدا و کلمه اوست که او را به سوی مریم افکنده؛ و روحی از جانب اوست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورد بگویید: [خدا] سه گانه است. [به این سخنان] پایان دهید؛ که برای شما بهتر است چراکه خدا، فقط معبودی یگانه است؛ او منزّه است؛ بلکه برایش فرزندی باشد.

در این آیه خداوند به اهل کتاب سفارش کرده است که در مورد خداوند جز حق، سخنی بر زبان نیاورند و در ادامه به عقیده «ابن الله» بودن مسیح علیه السلام و تثلیث اشاره دارد که در حقیقت علت نهی الهی را آشکار می‌سازد.

معانی ارجاء

واژه «مرجئه» در زبان عربی، اسم فاعل از مصدر «ارجاء» است. در فرهنگ‌های لغت دو معنا برای این واژه ذکر کرده‌اند: «تأخیر انداختن و مهلت دادن»^۱؛ و «امید دادن و امیدوار کردن»^۲. اگر لغت «ارجاء» را از ماده «رجاء» به معنای امید

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۸۳، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۳۹

۲. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹

۲. تأخیر عمل از ایمان^۱: این گروه، عمل را بعد از ایمان می‌دانند و پس از ایمان برای آن اهمیتی ثانوی قائل‌اند.

۳. تأخیر مقام و منزلت و درجه علی علیه السلام، خلیفه بلافصلی پیامبر، از رتبه اول به چهارم: مرجئه حضرت علی علیه السلام را خلیفه چهارم و بعد از سه خلیفه دیگر می‌دانند. بنا بر عقیده آنان، خدای متعال تعیین و نصب امام را تا رحلت پیامبر به تأخیر انداخت تا خود مردم امام و جانشین پیامبر را تعیین کنند.

۴. تأخیر دستورها و فرایض الهی با وقتی دیگر: بعضی از پیروان این گروه، دستورها و اوصای الهی مانند نماز، روزه و حج را به تأخیر می‌اندازند و آن را در روز یا زمانی دیگر انجام می‌دهند^۲. آن‌ها با این کار مرتکب گناه کبیره می‌شوند، اما معتقدند که این گناه به ایمانشان آسیبی نمی‌رساند. اصلی برای آن‌ها به انجام آن اعمال و فرایض است اگرچه با تأخیر و در وقتی دیگر باشد؛ نه اینکه آن اعمال را به کلی ترک کنند.

پس دلیل نام‌گذاری «مرجئه» ممکن است مراد از این اعتقادات باشد، مثلاً به این دلیل مرجئه خوانده شدند که حکم مرتکب گناه کبیره را به خدا «ارجاء» می‌دهند، یا به تأخیر عمل از ایمان و تأخیر درجه امام علی علیه السلام معتقدند و یا به این سبب که تأخیر (نه ترک) در دستورها و فرایض الهی را جایز می‌دانند.

حال باید دید اگر مرجئه را از ماده «رجاء» بگیریم به چه معنا خواهد بود، چه عقیده‌ای را در برمی‌گیرد و فرقی با مرجئه از ماده «ارجاء» دارد. اگر مرجئه را

۱. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. استادی، مقدمه‌ای بر ملل و نحل، ص ۱۵۷.

از ماده «رجاء» به معنای امید داشتن و امیدوار بودن^۱ بدانیم، پیروان این معنای لغوی معتقدند که مرتکب گناه کبیره را باید به رحمت و بخشایش الهی امیدوار کرد. شاید غفران و رحمت بی‌حد و حصر الهی شامل حال او نیز شود؛ زیرا با داشتن ایمان، معصیت و گناه به آن ضرری نمی‌رساند. همان‌طور که طاعت و بندگی کفار هیچ سودی به حال آنان ندارد.^۲

www.ketab.ir

۱. محمدجواد، مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۰۳: استادی، مقدمه‌ای بر ملل و نحل، ص ۱۵۷.

۲. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹.